

بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان فنی و حرفه‌ای در بخش صنعت پس از اتمام دوره آموزشی مطالعه موردی: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمانشاه

مرجان سپه پناه^۱

محمد مسعود فرشادیان^۲

احسان ایمانی هرسینی^۳

حمید ظاهری^۴

چکیده

هدف این مطالعه، بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان فنی و حرفه‌ای در بخش صنعت پس از پایان دوره آموزشی است. این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی است که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این بررسی $N=3476$ نفر از مهارت‌آموزانی بود که ۱۹۴۴ نفر از آنها در دوره‌های مهارتی صنعت شرکت داشتند. از این تعداد با توجه به جدول مورگان $n=150$ نفر برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی این بررسی پرسشنامه رهگیری وضعیت اشتغال مهارت‌آموخته بود که به منظور تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از نرم افزار SPSS استفاده شد. مهمترین نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد که شاخص اشتغال در بخش صنعت پس از گذراندن دوره‌های مهارتی و کسب شغل به ۲۷,۳۳ درصد رسیده است. همچنین مشخص شد که ۶۸,۲۹ درصد از مشاغل کسب شده پس از دوره ارتباط کامل با دوره مهارتی داشته است. افزون بر این، مشخص شد که ۲۵ درصد از مهارت‌آموختگان پس از دوره در گروه مهارت‌آموختگان کارجو و ۲۲,۶۶ درصد در گروه مهارت‌آموخته غیرکارجو قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموختگان، اشتغال، صنعت، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

Email: E.imaniharsini@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده کشاورزی .

۳. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی.

۴. کارشناس ارشد مهندسی نساجی.

۵. کارشناسی ارشد مهندسی صنایع.

دریافت مقاله: ۹۴/۰۴/۲۷ تصویب نهایی: ۹۴/۰۶/۱۱

مقدمه

امروزه در جهان فراصنعتی، توسعه بدون توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مفهوم کاملی ندارد. انقلاب علمی و فنی، انقلابی عمیق و کیفی در نیروهای تولید از جمله نیروی انسانی و روش‌های تولید به وجود آورده است. در این زمینه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فعالیت‌هایی است که قادرند فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده کند و کارایی و توانایی مهارت‌آموختگان را در انجام کار افزایش دهد. این آموزش‌ها کسب مهارت را در راستای تکنولوژی و علوم وابسته به همراه دانش خاص مربوط به شغل و در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد. بنابراین، توسعه آموزش‌های مهارتی در شرایط کنونی برای اقتصاد ایران و به ویژه شتاب‌دهی به افزایش فرایند تولید امری حیاتی محسوب می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات و به‌طور کلی سرمایه فیزیکی بدون سرمایه انسانی بدون استفاده می‌ماند و مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. بنابراین، از الزامات رشد و توسعه اقتصادی در نظام آموزش برای ایجاد مهارت‌های لازم توجه به سرمایه انسانی است و در این میان آموزش‌های مهارتی تلفیقی نقش مهمی در تأمین نیروی انسانی کارآمد ایفا نموده و مضمونی توسعه‌ای دارد (مطلق و صابری، ۱۳۸۹). اساساً اشتغال به‌عنوان اولویت اساسی کشور و توسعه پایدار به‌عنوان اساسی‌ترین مبحث اقتصادی نیازمند آموزش‌های زیربنایی برای پرورش استعدادها، خلاقیت‌ها و ایجاد مهارت در نیروی کار کشور است. بنابراین، پرورش نیروی کار مسلط به دانش فنی روز مستلزم وجود ساختارهای مجهز به منابع انسانی کارآمد تکنولوژی و تجهیزات روز، فضاهای آموزشی مناسب، برنامه‌ریزی و مدیریت مقتدر است. منظور از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن نوع فعالیت‌هایی است که می‌تواند فردی را برای احراز شغل آماده کند و کارایی و توانایی فرد را در انجام امور افزایش دهد. در واقع در بین انواع آموزش‌ها، آموزش‌هایی که در خدمت توسعه اقتصادی، اجتماعی جامعه قرار گیرد و به‌عنوان موتور محرکه آن عمل کند، می‌تواند بیشترین تأثیر را به همراه داشته باشد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که به‌طور رسمی و غیر رسمی در زمینه‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات برای ایجاد فرصت شغلی، ارتقاء و توسعه مهارت و تخصص، افزایش کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی انجام می‌شود، مضمونی توسعه‌ای دارد. لذا انتظار می‌رود که افراد پس از کسب مهارت و ارتقای کیفی دانش فنی قادر باشند فرصت‌های شغلی مناسب را به‌دست آورند و در نهایت فرصت شغلی برای خویش ایجاد کند (همان).

طبق مطالعات صورت گرفته در اغلب کشورها، آموزش حرفه‌ای از دوره‌های متوسطه در آموزش و پرورش آغاز می‌شود، زیرا هدف اصلی حرفه‌آموزی در بیشتر کشورها اشتغالزایی و کارآفرینی است. همچنین در بسیاری از کشورها بخش خصوصی در آموزش فنی و حرفه‌ای حضور فعال دارد. ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بخش صنعت به عنوان یک عامل موفقیت در بیشتر کشورها قابل مشاهده است. افزون بر این، تقریباً در هیچ یک از کشورها اختصاص تسهیلات مالی به کارفرمایان برای کارآفرینی مشاهده نشده است. در کشورهای موفق نیز در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مانند آلمان، ونزوئلا، چین، ایتالیا، هلند به جای تأکید بر دانش حرفه‌ای به مهارت‌های حرفه‌ای تأکید می‌شود. در برخی کشورهای موفق در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نیاز جامعه اقدام به ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود. لذا انجام مطالعات نظرسنجی، ارزشیابی، تحقیقات مختلف در این زمینه مورد استفاده برنامه‌ریزان است. در هر حال شدت، ضعف و هر نوع سیاست‌گذاری در آموزش فنی و حرفه‌ای در جوامع مختلف مبتنی بر شاخص‌های توسعه و استراتژی کلان جامعه طراحی و اجرا می‌شود و آنجا که به آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان قسمتی از یک سیستم و نظام کشور نگاه می‌شود، از توفیق روزافزون برخوردار بوده است (همان). در این زمینه مطالعات مختلفی در خصوص اثر دوره‌های مهارتی بر اشتغال انجام شده است که به آنها اشاره می‌شود. در استان مرکزی که مطالعه‌ای در مورد وضعیت اشتغال کارآموزان انجام شده است، نشان داد که عوامل مؤثر در کارایی مهارت‌آموختگان فنی و حرفه‌ای شامل مهارت، حرفه‌آموزش و، طول مدت زمان آموزش است. همچنین در این مطالعه مشخص شد که ۲۹ درصد از مهارت‌آموختگان پس از اتمام دوره‌های مهارتی به دنبال یافتن کار نرفته‌اند زیرا تنها به دنبال کسب مدرک بودند و آشنایی کافی با بازار کار نداشتند (نشریه مهارت، ۱۳۸۴). در این زمینه، بانگ جین (۱۹۹۸) در پژوهشی تحت عنوان یادگیری از طریق مشارکت، طرح نوآورانه در نظام آموزشی هلند به بررسی آموزش فنی و حرفه‌ای پرداخت. وی مشخص کرد که محیط‌های تربیت حرفه‌ای بیشتر بر کارگاه مدرسه، تسهیلات تولیدی در مدرسه و محل کار تأکید دارند و مراحل تربیت حرفه‌ای بیشتر بر اشتغال‌پذیری، تجربه‌اندوزی حرفه‌ای، نظام‌بخشی حرفه‌ای و آگاهی حرفه‌ای تأکید می‌کنند. بنابراین، یادگیری از طریق مشارکت و مهارت‌آموزی می‌تواند نقش حیاتی در افزایش همبستگی میان یادگیری در مدرسه و موقعیت‌های عملی در زندگی ایفا کند. در حال حاضر آموزش نیروی انسانی ماهر در پیشرفت‌های اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی دارد. آموزش نه تنها در کاربرد فناوری

پیشرفته برای تولید کالا بلکه در به‌کارگیری روش‌های مؤثر مدیریتی، انگیزش، نوآوری و خلاقیت نیز اثرمی‌گذارد. کشورهایی مانند ژاپن و آلمان نمونه‌های گویایی از اهمیت و تأثیر نیروی انسانی در توسعه صنعتی و اقتصادی هستند (حسن‌زاده، ۱۳۸۲). با توجه به اهمیت تربیت نیروی انسانی در توسعه اقتصادی جامعه، طی دو دهه اخیر، تحقیقات گوناگونی درباره موضوع‌های مرتبط با آن انجام گرفته است. نتایج تحقیقی که در سال ۱۳۶۸ به سفارش معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران انجام گرفت، نشان داد که میان نیازهای بازار کار و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تناسبی وجود ندارد. پایین بودن کیفیت آموزش‌های هنرستانی از جمله دیگر مشکلاتی است که بر سر راه این نوع از آموزش‌ها قرار دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق در استان آذربایجان نشان می‌دهد که بازار کار برای دختران آموزش‌دیده در مقایسه با پسران کمتر است و همچنین میان رشته‌های آموزشی فارغ‌التحصیلان و نوع شغلی که اختیار کرده‌اند، تناسبی مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، نتایج تحقیق دیگری در استان سمنان نیز نشان داد که تعداد مهارت‌آموختگان دوره‌های فنی و حرفه‌ای تکافوی نیاز این استان را ندارد و از سوی دیگر آموزش‌دیدگان مطابق با رشته آموزشی خود به کار مشغول نمی‌شوند (حیدری، ۱۳۷۰). نتایج تحقیق ایزدی و حیدری (۱۳۷۹) در زمینه وضعیت اشتغال آموزش‌دیدگان سازمان فنی و حرفه‌ای در استان مازندران نشان می‌دهد که در این استان نیز مسأله اشتغال مهارت‌آموختگان از یک طرف و کم بودن میزان اشتغال زنان از سوی دیگر، از جمله مشکلات اساسی محسوب می‌شوند. لذا، برای تأمین نیروی انسانی کارآمد و آموزش‌دیده و گسترش دامنه اشتغال در طی برنامه دوم توسعه، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران موفق شد نیرویی بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را در رشته‌های گوناگون به صورت داوطلب آزاد از سوی دستگاه‌های اجرایی، آموزش دهد (ایزدی و حیدری، ۱۳۸۱). شریعت‌زاده (۱۳۸۸) که به بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان پسر دبیرستان‌های نظری در شهر تهران پرداخته است، دریافت که مشابه فارغ‌التحصیلان پسر دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کشاورزی زودتر از فارغ‌التحصیلان نظری جذب بازارکار شده‌اند و نسبت بیکاران فارغ‌التحصیل فنی و حرفه‌ای با دبیرستان‌های نظری تفاوتی ندارد. پناهی (۱۳۷۹) وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کار دانش در شهرستان اردبیل را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که از مجموع افراد مورد مطالعه ۲۱،۳۷ درصد شاغل، ۷۴،۰۵ درصد بیکار، ۲،۲۹ درصد مشغول به تحصیل و ۲،۲۹ درصد سرباز هستند. همچنین خانی (۱۳۸۰) در بررسی وضعیت اشتغال

و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان کاردانش در استان خراسان نتیجه گرفت که ۲۰,۶ درصد از مهارت‌آموختگان شاغل، ۳۴,۱ درصد بیکار، ۲۴,۴ درصد دانشجو، ۸,۱ درصد سرباز، ۱۲,۵ درصد خانه‌دار و ۳ درصد طلبه بوده‌اند. از سوی دیگر، جلالی (۱۳۷۹) در بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش در شهرستان‌های استان تهران نتیجه گرفت که ۵۰ درصد از فارغ‌التحصیلان بیکار و ۵۰ درصد دیگر شاغل هستند. برزگر (۱۳۸۲) در مطالعه وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری کاردانش در شهرستان‌های استان تهران دریافت که ۲۸ درصد از مهارت‌آموختگان شاغل، ۴۵ درصد بیکار، ۵ درصد خانه‌دار و ۸ درصد سرباز هستند. عطاران (۱۳۸۰) نیز در پژوهش بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان کاردانش نتایج زیر را به دست آورد: ۲۹ درصد از فارغ‌التحصیلان شاغل یا اشتغال توأم با تحصیل، ۲۴ درصد در حال تحصیل، ۲۲,۳ درصد بیکارجویای کار و ۴۸,۳ درصد بیکار هستند. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کاردانش، نشان می‌دهد که میانگین نسبت اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش در استان‌های کشور ۱۰ تا ۳۰ درصد فارغ‌التحصیلان است. در پژوهش دیگری که از سوی قربانی حسینی (۱۳۷۵) انجام شد، نتایج نشان داد که علت عدم اشتغال مهارت‌آموختگان فنی و حرفه‌ای، نامناسب بودن آموزش‌های مهارتی و ناآشنا بودن آنها با نیازهای مهارتی بازار کار بوده است. ملاح (۱۳۷۵) در پژوهش خود به این نتیجه دست رسید که هنرستان‌های مهارتی دختران در استان گلستان در عواملی چون انطباق مهارت با بازار کار، میزان جذب مهارت‌آموختگان در بازار کار و وضعیت متوسطی دارند. نویدی و برزگر (۱۳۸۲) در مطالعه خود در حوزه وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک به این نتیجه رسیدند که آموزش‌ها و مهارت‌های آنان برای کسب موفقیت شغلی مناسب نیست. همچنین، در تحقیقی به نقل از نویدی و برزگر (۱۳۸۲) که در مکزیک انجام شده است، یافته‌ها نشان داد که به علت عدم مهارت مربیان، ضعف در برنامه‌ریزی، کافی نبودن برنامه‌های مشاوره و نیز فقدان خدمات پشتیبانی برای مهارت‌آموختگان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از موفقیت کافی برخوردار نیستند. همچنین، قاسمی پویا (۱۳۸۳) اعتقاد دارد که بیشتر گزارش‌های رسمی مسئولان کشور به موفقیت نسبی برنامه‌های فنی و حرفه‌ای اشاره دارد. در حالی که شواهدی مبنی بر وجود ضعف و نارسایی‌هایی در برنامه‌های فنی و حرفه‌ای وجود دارد که ضرورت پژوهش را آشکار می‌سازد. در یکی از مطالعات دانشگاه کارولینای جنوبی به نقل از قاسمی پویا (۱۳۸۳) مشخص شد که از نظر ۴۰ درصد از کارفرمایان

مورد بررسی، مهارت‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از مهارت‌های لازم در بازار کار به‌ویژه در صنعت برخوردار نیستند. همچنین، رایان (۲۰۰۲) در پژوهش‌های خود نشان داد که ۶۰ درصد از کارفرمایان مورد بررسی میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری مهارت‌آموختگان را در حد قابل قبول دانسته‌اند. همچنین بر اساس مطالعات انجام‌شده در حوزه وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان فنی و حرفه‌ای، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های بسیاری از مهارت‌آموختگان در سطوح عالی از مهارت و کارایی لازم برای جذب در بازار کار برخوردار نیستند و در مواردی حتی اگر سرمایه لازم در دسترس آنها گذاشته شود، قادر به کارآفرینی و حتی خوداشتغالی نخواهند بود، زیرا در اغلب موارد آموزش‌های آنها، ارتباط زیادی با نیازهای مهارتی بازارکار ندارد. نکته مهم اینکه بخش عمدهٔ بیکاران را دانش‌آموختگان آموزش عالی تشکیل می‌دهند که جوان و دارای توانمندی کار هستند. همچنین بیش از ۸۵ درصد دانش‌آموختگان در مراکز فنی و حرفه‌ای شهری متمرکز هستند و کیفیت تحصیلات آنان با نیازهای شغلی تطابق چندانی ندارد. در اکثر رشته‌های دانشگاهی دروس به صورت تئوری تدریس می‌شود و محفوظات دانشگاهی در اغلب موارد کمکی به دانش‌آموخته در ورود به بازارکار نمی‌کند. اگرچه بیشترین بودجه آموزشی صرف تحصیلات می‌شود و مهم‌تر اینکه بهترین زمان فعالیت آنان برای طی دورهٔ تحصیلی اختصاص یافته است. مهارت‌آموختگان در شمول سرمایهٔ انسانی و عناصر کلیدی و راهبردی فرآیند توسعه هستند و تحرک و پویایی اقتصادی و رشد بهره‌وری عوامل تولید بیش از سایر طیف‌های منابع انسانی در گرو مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی است. در بخش آموزش عالی نیز از معایب مهم این است که در طول تحصیل دانش‌آموختگان بر اساس آموزه‌های خود متوقع مشاغل دفتری، مدیریتی و سرپرستی هستند. بنابراین، برای ورود به بازار کار به سراغ فعالیتهایی چون خوداشتغالی و کارآفرینی نمی‌روند و انتظار آنها استخدام در شرکت‌های بزرگ و ادارات دولتی و کارهای دفتری است. دگرگونی‌های بازار کار نیز به‌ویژه در صنعت نشان می‌دهد نه تنها فارغ‌التحصیلان جدید بلکه افراد شاغل نیز به دلیل تغییرات فناوری با خطر از دست دادن شغل روبه‌رو هستند، ضمن اینکه اقتصاد دانایی‌محور، بازارکار تابعی از بازار خدمات آموزشی، مهارتی و یادگیری است. علاوه بر این، تفاوت و عدم تطابق ساختار نظام آموزشی کلاسیک و ساختار اقتصادی کشور، در بیکاری مهارت‌آموختگان بسیار مؤثر است و با توجه به چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و اشتغال کامل ترسیم شده است. بنابراین، برای تحقق چشم‌انداز جزء الزامات

باید مدرک جای خود را به مهارت، ایستایی و تبعیت مطلق در آموزش کلاسیک جای خود را به نوآوری و خلاقیت، کارگزاری جای خود را به کارآفرینی و در نهایت روش‌های سنتی تولید جای خود را به نوگرایی و تکیه بر روش‌های مدرن تولید بدهد (عزیزی، ۱۳۸۴). بنابراین، هدف اصلی در این مطالعه بررسی و رهگیری وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه در رشته‌های صنعتی بوده است.

روش‌شناسی

این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی و از نوع تحقیقات میدانی است. جامعه آماری این بررسی ۳۴۷۶ نفر از افرادی بود که از این تعداد ۱۹۴۴ نفر در رشته‌های صنعتی از ۶ مرکز فنی و حرفه‌ای در سطح شهر کرمانشاه ثبت‌نام کرده بودند. از این تعداد با توجه به جدول مورگان ۱۵۰ نفر انتخاب شدند. در این بررسی مهارت‌آموختگانی از رشته‌های مهارتی صنعت که ۶ ماه از پایان آموزش، امتحان عملی و تئوری آنها سپری شده است، به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد با مهارت‌آموختگانی که واجد شرایط بودند، تماس برقرار شد و اطلاعات لازم در خصوص دوره گذرانیده، نوع اشتغال، زمان اشتغال و... دریافت گردید. سپس داده‌های جمع‌آوری شده در نرم افزار SPSS، به منظور تجزیه و تحلیل وارد شد. ابزار جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه، پیگیری وضعیت مهارت‌آموختگان مراکز فنی و حرفه‌ای می‌باشد. همچنین، در این مطالعه برای مشخص کردن وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان از شاخص سازی استفاده شد. بر اساس این شاخص‌ها، تعداد افراد شاغل بر حسب مدت زمان شروع به آموزش، پایان آموزش، فاصله زمانی پیدا کردن شغل مرتبط و یا غیر مرتبط با دوره آموزشی، درصد جذب مهارت جو به دوره آموزشی، درصد حفظ مهارت جو در دوره‌ها، درصد افراد کارجو و غیر کارجو و درصد قبولی مهارت جو در آزمون مشخص شد.

یافته‌ها

در این بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مهارت‌آموختگان شامل سن، جنسیت، رشته و مدرک تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفت که خلاصه نتایج آن به شرح زیر است: نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۴ سال با درصد فراوانی ۱۳,۳ درصد، ۲۶ سال با ۱۱,۳ درصد، ۲۵ سال با ۱۰ درصد و ۲۳ سال با

فراوانی ۷,۳ درصد است. همچنین، مشخص شد که ۶۸,۷ درصد از افراد مرد و ۳۱,۳ درصد زن در این بررسی شرکت کردند. در خصوص بررسی رشته و مدرک تحصیلی مهارت‌آموختگان در این مطالعه مشخص شد که بیشترین فراوانی افراد شرکت‌کننده در دوره‌های حرفه‌ای صنعتی در رشته‌های تحصیلی مکانیک (۱۴ درصد)، الکترونیک (۱۲ درصد)، معماری و کامپیوتر (۷,۳ درصد)، ریاضی فیزیک (۶,۷ درصد) بوده است. در رابطه با مدارک تحصیلی مهارت‌جویان نیز گزارش شد که بالاترین میزان شرکت‌کنندگان در مقاطع تحصیلی به ترتیب لیسانس (۴۲,۷ درصد)، دیپلم (۲۵,۳ درصد) و کاردانی (۱۲ درصد)، است. با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از این مطالعه مشخص شد که ۴۲ درصد از مهارت‌جویان قبل از شروع دوره‌های مهارتی صنعتی شاغل بودند، در حالی که بیشتر از ۵۰ درصد از پاسخگویان بیان کردند که قبل از شرکت در دوره آموزشی شاغل نبوده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که اکثر مهارت‌جویان مرد قبل از اینکه در دوره شرکت کنند، شاغل بودند و علت حضور آنها در دوره صنعتی، پیشرفت و بالارفتن مهارت فنی و ارتقای شغل است. همچنین این مطالعه نشان داد که ۱۷,۵ درصد از افراد قبل از اینکه در دوره‌های کاردانش شرکت کنند، شاغل بودند. افزون بر این میزان تناسب شغل قبل از دوره با محتوای آموزشی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین یافته‌ها می‌دهد که میزان تناسب شغل قبل از دوره با محتوای آموزشی در زنان ۷,۹۳ درصد و در مردان ۵۲,۳۸ درصد بوده است.

بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌جویان (بخش صنعت) در خصوص اشتغال در بخش‌های صنعت، خدمات، کشاورزی، خصوصی و دولتی پیش از دوره یافته‌های به‌دست آمده از مطالعه نشان می‌دهد که قبل از شروع دوره‌های مهارتی ۳۳,۳ درصد از مهارت‌جویان در بخش خصوصی، ۳,۳ درصد در بخش دولتی، ۲ درصد در بخش صنعت و کشاورزی و ۱,۳ درصد در بخش خدمات مشغول به کار بودند.

بررسی دلایل بیکاری مهارت‌آموزان پیش از شرکت در دوره‌های صنعتی نتایج به‌دست آمده از این بررسی نشان داد ۵۸ درصد از این افراد قبل از دوره در هیچ بخشی شاغل نبودند و دلایل بیکاری را عواملی چون فقدان بازار کار (۱۸ درصد)، دانشجو بودن (۲۱,۳ درصد)، سرباز بودن (۲,۷ درصد) و دانش‌آموز بودن (۶ درصد) عنوان کردند (جدول شماره ۱).

بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان فنی ... ۱۴۳

جدول (۱) فراوانی و درصد فراوانی بیکاری مهارت‌آموزان پیش از شرکت در دوره آموزشی

دلایل بیکاری قبل از شرکت در دوره	فراوانی	درصد فراوانی	درصد اعتبار
دانشجو	۳۲	۲۱/۳	۲۱/۳
فقدان بازار کار	۲۷	۱۸	۱۸
دانش آموز	۹	۶	۶
سربازی	۴	۲/۷	۲/۷
عدم سرمایه	۲	۱/۳	۱/۳
خانه‌دار	۲	۱/۳	۱/۳
نداشتن مهارت حرفه‌ای	۲	۱/۳	۱/۳
ناکافی بودن تحصیلات دانشگاهی	۲	۱/۳	۱/۳
عدم داشتن پارتی	۱	۰/۷	۰/۷
عدم سابقه کار	۱	۰/۷	۰/۷
عدم وجود انگیزه برای یافتن شغل	۱	۰/۷	۰/۷
ناکافی بودن حقوق	۱	۰/۷	۰/۷
نداشتن مدرک حرفه‌ای	۱	۰/۷	۰/۷
سیاست‌های غلط در خصوص استخدام	۱	۰/۷	۰/۷
پارتی بازی، نداشتن سرمایه، عدم بازار کار	۱	۰/۷	۰/۷
جمع کل	۸۷	۱۰۰	۱۰۰

بررسی وضعیت حرفه‌ای مهارت جویان پس از اتمام دوره‌های مهارتی صنعتی نتایج این بخش از مطالعه گویای این است که ۲۷/۳ درصد از مهارت‌جویان پس از تمام دوره شاغل شدند؛ در حالی که ۴۵،۳ درصد به دلایل مختلفی نتوانستند شغلی را به‌دست آورند.

بررسی سطح تناسب بین اشتغال مهارت‌آموختگان با دوره‌های مهارتی صنعتی پس از اتمام آموزش

نتایج به‌دست آمده گویای این است ۱۷/۳ درصد از مشاغل کسب‌شده با دوره مهارتی کاملاً مرتبط، ۸/۷ درصد کاملاً بی ارتباط و ۱،۳ درصد نسبتاً مرتبط بوده است (جدول شماره ۲).

جدول (۲) فراوانی و درصد فراوانی تناسب شغل با دوره مهارتی پس از اتمام دوره مهارتی

سطح ارتباط شغل با دوره مهارتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد اعتبار
کاملاً مرتبط	۲۶	۱۷/۳	۶۳,۴
کاملاً بی ارتباط	۱۳	۸/۷	۳۱,۷
نسبتاً مرتبط	۲	۱/۳	۴,۹
جمع کل	۴۱	۲۷/۳	۱۰۰

بررسی وضعیت بیکاری و دلایل عدم اشتغال به کار مهارت آموختگان آموزش های صنعتی پس از اتمام دوره

یافته به دست آمده گویای این است که ۲۵,۳ درصد در گروه مهارت آموخته کارجو و ۲۲,۷ درصد در گروه مهارت آموخته غیر کارجو قرار می گیرند. علاوه بر این دلایل بیکاری مهارت آموختگان در دو گروه کارجو و غیرکارجو مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که جدول شماره ۳ نشان می دهد، در بخش کارجو مهم ترین عامل بیکاری از دیدگاه مهارت آموختگان فقدان سرمایه (۱۴ درصد) و نبود بازار کار (۴ درصد) شناخته شده است.

جدول (۳) دلایل بیکاری مهارت آموختگان کارجو و غیرکارجو

علت بیکاری مهارت آموختگان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد اعتبار
نداشتن سرمایه مالی	۲۱	۱۴	۲۹/۲
دانشجو بودن	۲۱	۱۴	۲۹/۲
شرایط نامناسب بازار کار	۶	۴	۸/۳
دانش آموز بودن	۶	۴	۸/۳
موارد ۱ تا ۶ قسمت فوق	۴	۲/۷	۵/۶
عدم آشنایی با بازار کار	۳	۲	۴/۲
ناکافی بودن حقوق و دستمزدها	۳	۲	۴/۲
خدمت سربازی	۳	۲	۴/۲
خانه دار بودن	۲	۱/۳	۲/۷
عدم داشتن مدارک حرفه ای	۱	۰/۷	۱/۴
مشکلات خانوادگی	۱	۰/۷	۱/۴
عدم داشتن امید و انگیزه	۱	۰/۷	۱/۴
جمع کل	۷۲	۴۸	۱۰۰

تعیین شاخص‌های اشتغال مهارت‌آموختگان در دوره‌های صنعتی

در این بخش شاخص‌های میزان اشتغال به منظور رهگیری مهارت‌آموختگان دوره‌های صنعتی محاسبه شده است. بر اساس محاسبه انجام شده، مشخص شد که میزان درصد جذب مهارت جو به دوره‌های آموزشی صنعتی ۵۵/۹۹ درصد بوده است. در بررسی و محاسبه شاخص درصد شاغلین قبل از دوره مشخص گردید که ۴۲ درصد از مهارت‌جویان پیش از شرکت در دوره شاغل بوده‌اند. با توجه به اینکه در این مطالعه شاخص اشتغال مهارت‌جوی صنعتی قبل از دوره محاسبه شده است، اشتغال این افراد به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس داده‌های به‌دست آمده ۳۳/۳ درصد از مهارت‌جویان در بخش خصوصی، ۳/۳ درصد در بخش دولتی، ۲ درصد در بخش صنعت و کشاورزی و ۱/۳۳ درصد در بخش خدمات مشغول به‌کار بوده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست آمده از محاسبه شاخص اشتغال پس از اتمام دوره مهارتی، می‌توان دریافت شاخص اشتغال پس از دوره در این بخش ۲۷/۳۳ درصد بوده است که در مقایسه با دو بخش خدمات و کشاورزی با افزایش نرخ رشد همراه بوده است. با محاسبه شاخص درصد اشتغال مرتبط با دوره آموزشی، می‌توان دریافت که ۶۲/۹۶ درصد از مهارت‌آموختگان توانسته‌اند حرفه‌ای متناسب با دوره‌ای که گذرانده‌اند، کسب کرده و وارد بازار کار شوند. در این بخش، شاخص مهارت‌آموختگان کارجوی بخش صنعتی مورد محاسبه واقع شد. نتایج این قسمت نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از مهارت‌آموختگان کارجو پس از اتمام با توجه به این که به‌دنبال یافتن حرفه بوده‌اند، بیکار مانده‌اند. نتایج به‌دست آمده از برآورد شاخص درصد مهارت‌آموختگان غیرکارجو نشان داد که ۲۲/۶۶ درصد از مهارت‌آموختگان با توجه به این که در یکی از رشته‌های صنعتی دارای مهارت هستند تا بحال دنبال یافتن شغل و حرفه نبوده‌اند.

نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر به بررسی و شناسایی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان فنی و حرفه‌ای شرکت‌کننده در دوره‌های صنعتی در شهرستان کرمانشاه پرداخته شده است. در این بررسی عواملی چون وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان قبل و پس از دوره، علل بیکاری مهارت‌آموختگان پیش از دوره‌های مهارتی، تناسب اشتغال قبل از دوره با محتوای آموزشی، و نیز شناسایی مهارت‌آموختگان کارجو و غیرکارجو مورد مطالعه قرار گرفتند. در بررسی دلایل بیکاری مهارت‌آموزان پیش از شرکت در دوره، یافته به‌دست آمده با مطالعه‌ای که از سوی شریعت‌زاده (۱۳۸۸) در خصوص وضعیت اشتغال

فارغ‌التحصیلان کاردانش بود، مطابقت دارد. نتایج مطالعه وی نشان داد که ۵۱ درصد از مهارت‌جویان قبل از شرکت در کلاس‌های کاردانش شاغل نبودند و از این تعداد ۳۰/۹ درصد که مشغول به خدمت سربازی بودند، این مسئله را عامل بیکاری خود می‌پنداشتند. همچنین در بررسی وضعیت حرفه‌ای مهارت‌جویان پس از اتمام دوره‌ها نتایج نشان می‌دهد که دوره‌های مهارتی در رشته‌های صنعتی تا حدودی توانسته است منجر به ایجاد خوداشتغالی پس از دوره شود، زیرا مشخص شد که چهار نفر از افرادی که در بخش خصوصی شاغل بودند، پس از دوره نیز به‌طور مجزا خوداشتغال شده و مغازه تعمیرکاری دایر کرده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که محتوای آموزشی دوره‌ها با نیاز بازار در بخش صنعت تناسب داشته است. این یافته‌ها با مطالعه بیدختی (۱۳۸۳) انطباق دارد. در این تحقیق مشخص شد که دوره‌های مهارتی سازمان فنی و حرفه‌ای در بخش صنعت تا حدودی توانسته است منجر به ایجاد اشتغال در مهارت‌آموختگان شود. در ارتباط با تناسب بین اشتغال مهارت‌آموختگان با دوره‌های مهارتی صنعتی نتایج نشان دادند که محتوای دوره آموزشی توانسته است به مهارت‌آموختگان کمک کند تا شغلی کاملاً مرتبط با آموزش به‌دست آورند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دوره آموزشی در بخش صنعت بسیار مفید و اثرگذار بوده است. یافته به‌دست آمده با مطالعه حیدری و خاوری (۱۳۸۳) مطابقت دارد. آنها دریافتند که ۱۹,۲ درصد از افراد پس از گذراندن دوره‌های مهارتی در بخش صنعت، مشاغلی مرتبط با همان دوره به‌دست آورند. این نشان می‌دهد که آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای تا حدی توانسته است بر اساس نیاز بازار کار منطبق باشد و مهارت‌آموختگان را با مشاغل موردنیاز بازار آشنا سازد. در بخش بررسی وضعیت بیکاری و دلایل عدم اشتغال به‌کار مهارت‌آموختگان آموزش‌های صنعتی پس از اتمام دوره یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان و مردان مهارت‌آموخته جویای کار به نسبت مساوی به‌دنبال یافتن شغل مناسب بودند اما نتوانستند شغل مناسبی کسب کنند. علاوه بر این دلایل بیکاری مهارت‌آموختگان در دو گروه کارجو و غیرکارجو مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کارجو مهم‌ترین عامل بیکاری از دیدگاه مهارت‌آموختگان فقدان سرمایه (۱۴ درصد) و نبود بازار کار (۴ درصد) شناخته شده است. این یافته نشان می‌دهد که فقدان سرمایه مهم‌ترین عامل بیکاری و شاغل نشدن افراد به‌صورت خوداشتغالی است. همچنین این یافته نشان می‌دهد که زنان کارجوی بیکار عامل اصلی بیکاری خود را نبودن بازاری مناسب برای کارکردن زن در جامعه می‌پندارند و نشان می‌دهد که زنان در این گروه حتی با داشتن مهارت فنی تحت هر شرایطی قادر به اشتغال نیستند. در خصوص مهارت‌آموخته غیرکارجو نیز علت بیکاری

را بیشتر شرایط ادامه به تحصیل (۴ درصد) ذکر کردند. این اصل نشان می‌دهد که مردان اکثراً به دلیل ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر کمتر به دنبال کار هستند. علت این مسئله می‌تواند در عواملی مانند امید به یافتن کار با مدارک تحصیلی بالاتر، بالا رفتن مرتبه اجتماعی و تحصیلی، یافتن شغلی مناسب و جامعه‌پسند و ... پنهان باشد. یافته‌های گزارش شده در این بخش با نتایج به دست آمده از مطالعه پناهی (۱۳۷۹)، خانی (۱۳۸۰)، برزگر (۱۳۸۲)، برزگر (۱۳۸۱) و عطاران (۱۳۸۰) هماهنگ و همسو است. در این بررسی‌ها علل بیکاری و عدم اشتغال مهارت‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش در رشته‌های صنعتی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که مهم‌ترین عوامل بیکاری در مهارت کارجوی بیکار و غیر کارجو در مطالعه پناهی (۱۳۷۹) گذراندن خدمت سربازی (۲,۲۹ درصد)، دانشجوی (۲,۲۹ درصد) بوده است. همچنین در بررسی خانی (۱۳۸۰) مشخص شد که عامل بیکاری مهارت‌آموختگان شامل ۲۴,۴ درصد دانشجوی، ۸,۱ درصد سرباز، ۱۲,۵ درصد خانه‌دار و ۳ درصد طلبه بوده است. برزگر (۱۳۸۲) در مطالعه خود نشان داد که ۱۴ درصد در حال تحصیل، ۵ درصد خانه‌دار و ۸ درصد از افراد در حال خدمت سربازی هستند. همچنین، برزگر (۱۳۸۱) در مطالعه دیگری در خصوص اشتغال مهارت‌آموختگان رشته‌های صنعتی (کارمپیوتر و الکترونیک) نشان داد که ۲۸ درصد در حال تحصیل و ۸ درصد از بیکاران مشغول خدمت سربازی هستند. عطاران (۱۳۸۰) نیز در بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با اشتغال مهارت‌آموختگان کاردانش نشان داد که علت بیکاری آنها ۲۴ درصد در حال تحصیل بودند نشان می‌باشد. بدین منظور، بهره‌برداری از منابع انسانی باید به عنوان یکی از مأموریت‌های راهبردی توسعه در نظر گرفته شود. بر این اساس، از آنجا که مسئله اشتغال به مشکلی قابل تأمل تبدیل شده است، صاحب‌نظران ارتباط بین آموزش‌های موجود در مراکز آموزشی حرفه‌ای با نیازهای واقعی بازار کار را بسیار مورد تأکید قرار می‌دهند. برای درک جایگاه واقعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شرایط امروز باید توجه کرد که شرایط امروز جهان و ایران با سی سال پیش بسیار تغییر کرده است. جهان امروز با روندهای کلی مانند جامعه اطلاعاتی، جهانی شدن در حوزه‌های مختلف، تغییر روش‌های تولید و سازمان دهی کار در سازمان‌های تولیدی و اقتصادی و توسعه دانش و تغییرات پیوسته فناوری و نقش مهم دانش در تولید روبه رو است که موجب تغییر مهارت‌ها و تولد مشاغل جدید می‌شود و مرتباً بازارکار به نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده نیازمند است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ایجاد و راه‌اندازی مؤسسات و تعاونی‌های تولیدی و خدماتی، صدور مجوز فعالیت برای

جذب فوری نیروهای آموزش‌دیده، تأمین نیاز بازارکار به نیروی ماهر، ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد رشته‌های هنرستانی، هماهنگی با بازار کار منطقه‌ای، جلوگیری از مهاجرت، ایجاد شغل به تفکیک جنسیت، رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی نقش مؤثری دارد (بیدختی، ۱۳۸۳).

پیشنهادها

- ✓ رهگیری مهارت‌آموختگان و بررسی آنها از نظر اشتغال در بازار کار به صورت هر سه ماه یک بار در مراکز فنی و حرفه‌ای؛
- ✓ برگزاری دوره‌های کاربردی‌تر بر اساس نیاز بازار کار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ایزدی، ص؛ حیدری، ص. (۱۳۷۹). بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش دیده فنی و حرفه‌ای استان مازندران طی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، ساری اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران.
- بیدختی، ع. الف. (۱۳۸۳). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی در استان خوزستان، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۶.
- برزگر، م. (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک شاخه کار و دانش شهر تهران، طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.
- پناهی، ح. (۱۳۷۹). وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش در شهرستان اردبیل، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل.
- جلالی پور، ی. (۱۳۷۹). بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش در شهرستان‌های استان تهران، گزارش تحقیق، اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران.
- حسن زاده، ر. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر ساولان، تهران.
- حیدری، ص. (۱۳۷۰). بررسی تطبیقی آموزش فنی و حرفه‌ای ایران و ژاپن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- خانی، ع. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان شاخه کاردانش در استان خراسان، سازمان آموزش و پرورش استان خراسان.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۸۸). جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ ۲۲.
- عطاران، ن. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان شاخه کاردانش در شهر مشهد، اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان.
- عزیزی، ن. (۱۳۸۴). بررسی نقش و جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی، نگاهی به تجارب کشورهای توسعه‌یافته.
- قربانی حسینی، م. (۱۳۷۵). بررسی علل عدم جذب فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و مسائل مربوط به آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

- قاسمی‌پویا، الف. (۱۳۸۳). در جستجوی مبانی نظری و رویکردی کارساز برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اقتصاد و برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش و آموزش فنی و حرفه‌ای، تهران؛ پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کرباسی، ع. (۱۳۸۷). پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران، *مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی*، جلد ۲۲، شماره ۲.
- مطلق، م؛ صابری، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و اثربخشی آن در کارایی اشتغال کارآموزان مرد شهر اراک، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال ۴، شماره ۴.
- مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (۱۳۶۸). خلاصه‌ای از طرح مطالعاتی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها در صنعت سنگین، *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، شماره ۳.
- ملاح، ن. (۱۳۷۵). ارزیابی کارایی بیرونی و درونی هنرستان‌های حرفه‌ای دولتی دخترانه استان گلستان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی*.
- نویدی، الف؛ برزگر، م. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک شاخه کار و دانش، *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، شماره ۳.
- Ryan, C. (2002). *Longer-Term Outcomes for Individuals Completing Vocational Education and Training Qualifications*. National Centre for Vocational Education Research. 252 Kensington Road. Leabrook. South Australia 5068, Australia (Stock no. 765, \$27.50 Australian).
- Yang, J. (1998). General or vocational? The tough choice in the Chinese education policy. *International Journal of Educational Development*, 18(4), 289-304.